

ادامه از صفحه اول

تلویزیون علیه دولت پاستور منفعل

بدیهی بود در جهت همراهی با دولت و مردم و مطالبه ملی توافق هسته‌ای، «رسانه ملی» نیز با این خواسته عمومی همراهی کند، اما در عمل، اتفاق دیگری افتاد. رادیو و تلویزیون به عنوان ابزار اقلیت منتقد درآمَد و بی محابا به روند مذاکرات و مذاکره‌کنندگان تاخت تا صدای سازی ناکوک مانند گذشته از سوی این رسانه به به گوش برسد. کافی است تا برنامه‌های مختلفی که از تلویزیون در جهت نقد و گهگاه تخریب مذاکرات در مدت کوتاهی به‌خصوص پس از توافق‌نامه لوزان تولید و روی آنتن رفت را وارسی کنیم و آن‌گاه هم از حیث حجم و هم از نظر اینکه تنها به منتقدان و دلویاسان فرصت حضور در تلویزیون داده شد، به نتایج جالب و شگفت‌انگیزی برمی‌خوریم. حجم این برنامه‌ها تا حدی بود که کارشناسان رسانه معتقدند اگر تلویزیون این حجم برنامه را در جهت تقویت روند مذاکرات تولید می‌کرد، بی‌کسان اجماع ملی مثال‌زدنی‌ای در کشور شکل می‌گرفت که می‌توانست قدرت ملی بالایی تولید کرده و دست مذاکره‌کنندگان را بسیار پُرتر نشان دهد. به‌جز تولید ساعت‌ها برنامه در قالب مصاحبه با دلویاسان و گم‌راندن مجریان توجیه‌شده در این برنامه‌ها، ساخت مستندهای فراوانی از روند مذاکرات مانند «شطرنج با گرگ‌ها» که به‌نظر بسیاری، تقابل رسمی تلویزیون با دولت روحانی بود یا پوشش اخبار مخالفان مذاکرات در خارج کشور که عمدتا لابی‌های پرقدرت عربی – عبری بودند و بازپخش گفت‌وگو با نفرات دست چندم خارجی حتی از رسانه‌های معاند مانند «بی‌بی‌سی» و «صدای آمریکا» و... ازجمله شاهکارهای تلویزیون در نقد و تخریب مذاکرات و ناهم‌رسانی با ملت و دولت منتخب ملت در زمان اندک مدیریت آقای سرافراز است.

۳- رفتار تخریب‌گرایانه صدوسیما با دولت به همین‌جا ختم نمی‌شود. دیروز شبکه افق چندین‌بار همایش «دکتر سلام» را که جشن طنز مخالفان دولت بود پخش کرد و بارها در این همایش که فقط چهره‌های شاخص مخالف دولت حضور داشتند، به رئیس‌جمهور و کلیت دولت توهین شد. هم‌زمان اخبار گرده‌مایی مخالفان مذاکرات در مشهد پوشش داده شد و البته در بخش‌های مختلف خبری، اخبار مذاکرات به‌عنوان خبر دوم و سوم مورد توجه قرار گرفت. درعین‌حال، در همین پوشش چندانیته‌ای اخبار مذاکرات خبرنگاران خاص صدوسیما با لحن تمسخرآمیزی که مخصوص خودشان است و هیچ بنگاه خبری حرفه‌ای در جهان از این‌لحن استفاده نمی‌کند، به نقل‌قول‌های منفی از مذاکرات پرداختند تا به هرقیمیتی که شده فضایی بدبینی و یاس را به جامعه منتقل کنند، مبادا مردم با اخبار خوش، کمی از تنگناهای معیشتی فاصله بگیرند و امیدوار شوند! متأسفانه رویکرد خبری یک سویه صدوسیما با واکنشی از دولت هم مواجهه نمی‌شود، چه اینکه بخش اطلاع‌رسانی دولت کاملاً بی‌برنامه و مایل به واکنش به این رویکرد مخرب صدوسیما نیست. همین موضوع به ازدحرف‌ارتفرن برخی در جهت تولید برنامه‌های ضددولت دامن می‌زند.

۴- روندهای مذکور البته زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که دولت سالانه به صدوسیما از محل بیت‌المال بیش از هزارمیلیارتومان بودجه می‌دهد و این درحالی است که تلویزیون ۵۰۰ میلیارد تومان درآمد دارد و پوشش رسانه ملی به کمتر از ۶۰درصد می‌رسد. به عبارت دیگر، هزینه حدود پنج‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومانی اولاً کاملاً در اختیار معدود افراد خاص قرار گرفته تا ثانیاً در حوزه اجتماعی و سرگرمی نیز فضای رقابت را به ماهواره‌ها واگذار کرده است. به نظر می‌آید تغییرات مدیریتی انجام‌شده در صدوسیما، تنها به رفع محرومیت «مهران مدیری» در تولید برنامه‌های طنز محدود شده و عملاً نتیجه مثبت دیگری در پی نداشته است.

روزنه

«دیپلمات» منتشر شد

● ماهنامه «دیپلمات» که در حوزه مسائل سیاست خارجی و بین‌المللی فعالیت می‌کند، منتشر شد. این نشریه به‌تازگی از هیأت نظارت بر مطبوعات مجوز انتشار خود را دریافت کرده است. دکتر کیهان بزرگر، از استادان روابط بین‌الملل و فعال حوزه مطبوعات بین‌المللی، مسئولیت سردبیری این مجله را برعهده دارد. همچنین سیدصاحب صادقی، فعال رسانه‌ای، مدیرمسئول این ماهنامه است. در شماره اول این مجموعه به پرونده‌هایی درباره تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی توافق احتمالی هسته‌ای، تأثیر توافق احتمالی بر حوزه‌های اقتصاد و انرژی در سطوح داخلی و بین‌المللی و همچنین پرونده تحولات یمن و داعش در گفت‌وگو با صاحب‌نظران، مقامات و کارشناسان پرداخته شده است.

ادامه از صفحه ۶

اصلاح‌طلبان باید دور ۸۸ را از حیث نتیجه‌گیری و نه از منظر مشارکت‌جویی خط می‌کشیدند و منتظر ۹۲ می‌مانند.

● **با این تحلیل، شما آقای کروی را مناسب می‌دیدید؟**
در این حد که مطالباتی مطرح شود و حضور داشته باشیم بله، همان زمان من این مسائل را توضیح دادم، دایره‌ای کشیدم و نسبت نیروها را به مرکز قدرت شرح دادم و گفتم باید نیرویی را که بین اصلاح‌طلبان به مرکز دایره نزدیک‌تر است انتخاب کنید. هرچقدر نیروهای بی‌ثرونی‌تر را انتخاب کنید، جامعه را دوقطبی می‌کنید. در ۸۸ باید دور نتیجه را خط می‌کشیدیم، این همه بسیج نیرو در سال ۸۸ برای چه بود؟ ظاهر منطق و استدلال این بود که احمدی‌نژاد یک خطر بزرگ برای کشور است، این تحلیل درست بود، اما در سیاست به این دلیل که دولت یا فرد یک خطر بزرگ است نمی‌توان هرکاری را انجام داد، چون باید کاری کنید که خطر رفع شود، اگر به دور دلیلی کاری کردیم که خطر تعمیق شد، مسئولیم.

آیا اصلاح‌طلبان بعد از آن هیچ‌وقت از خودشان سؤال کردند که از ۸۸ تا ۹۲ فاجعه‌بارتر بود یا ۸۴ تا ۸۸، شما روزنامه‌نگار هستید خودتان مقایسه کنید.

● **شما با اینکه دید جامعه‌شناسی عمیقی دارید قضیه را یک بعدی می‌بینید و هیچ دستاوردی برای آن دوره قائل نیستید...**

دستاوردهایی داشت، اما این دستاوردها، نتایج ناخوسته این اتفاقات بودند، مگر اقدامات سیاسی آن دوره برای این دستاوردها انجام شده بود؟ مثل این است که چاهی را با هدف رسیدن به آب حفر کنیم بعد که آب نرسیدیم، بگویم ایرادی ندارد برای تولید رغد که مناسب است! بنابراین معتقدم ۸۸ دستاوردهایی داشته، اما امنیتی‌شدن فضای سیاسی منشأ مشکلات عظیمی شد که با هیچ دستاوردی جبران نشد. ما در جامعه شر و خیر مطلق نداریم، ادعای نیروی سیاسی اصلاح‌طلبان این بود که احمدی‌نژاد یک خطر بزرگ است- که درست بود- و حضور او برای مملکت مخرب بود، اگر ما دتولایم برای چهار سال مانع او شویم، خدمت بزرگی کرده‌ایم. تا اینجاى گزاره هیچ مشکلی نیست، اما از اینجاى گزاره به بعد است که کار یک سیاست‌مدار شروع می‌شود. باید از خود پرسیم ما چه فرایندی را باید طی کنیم تا این خطر رفع یا کمتر شود؟ نمی‌خواهم بگویم این هدف صردرصد باید رخ دهد چون به‌هرحال سیاست است و نمی‌توان با قطع و یقین درباره آن سخن گفت، اما نباید مسیری رفته می‌شد که وضعیت از این هم بدتر شود. حالا اینکه این قضیه منافع دیگری هم داشته حرف دیگری است. عده‌ای هم می‌توانند بگویند چه بهتر بود اگر سال ۹۶ ناطق‌نوری می‌آمد، چون منافع دیگری برای آن قائل بودند.

● **یعنی شما می‌گویید در ۸۸ به‌دلیل قیمت نفت و شرایطی که وجود داشت، امکان پیروزی برای اصلاح‌طلبان اصلاً وجود نداشت؟**
اصلاً محال بود چنین چیزی رخ دهد.

● **صراحتاً این نظر را توضیح داده‌اید؟**

بله، در ستاد آقای کروی یکی از برنامه‌هایی که پیگیر بودم و جزء برنامه‌های ایشان بود و در جلسات تخصصی به دوستان اصلاح‌طلب هم گفتم درباره نفت بود، بیشتر اصلاح‌طلبان می‌گفتند که نفت خیلی مهم است، یعنی به‌لحاظ تئوری قبول داشتند، اما در عمل هیچ توجهی نکردند. کسی که چربی و قند خون بالایی دارد، برنامه غذایی‌اش باید متفاوت از کسی باشد که وضعیت سلامتی‌اش نرمال است. اگر ما می‌گوییم درآمدهای نفتی در روند سیاسی مخل بوده‌اند و قیمت بسیار بالا بوده، مسلماً در مقایسه با زمانی که این‌طور نیست باید عملکرد متفاوتی داشته باشیم و باید رژیم سیاسی می‌گرفتیم!!

● **پس با این منطق تکلیف انتخابات ۹۲- با توجه به سقوط درآمدهای نفتی- مشخص بود.**

بله دقیقاً این‌گونه است، سال ۸۹ را یادداشت «سه موج» این را شرح داده بودم که موج سررسید رانت‌های ناشی از سیاست خارجی و درآمدهای بالای نفتی در راه است. فقط شما باید مترصّد باشید و بتوانید سیاست داخلی خود را بر این دو موج سوار کنید. این مسئله بسیار ساختاری است.

● **معتقدید قیمت نفت و دموکراسی رابطه معکوسی با هم دارند؟**

بله. اما این لزوماً به این معنی نیست که اگر قیمت نفت کم باشد، دموکراسی شکل می‌گیرد، قیمت پایین نفت شرایط خاصی را به دولت تحمیل می‌کند. از ۵۲ تا ۵۷ رفتار شاه را ببینید. ۶۹ تا ۷۱ را ببینید؛ ۶۲ تا ۶۴ را حتی در زمان جنگ، همین‌طور سال‌های ۷۹ به بعد هم هست. دوره دوم آقای خاتمی را ببینید.

● **با این وضعیت دچار پارادوکس می‌شویم، ما اکنون با دولتی طرف هستیم که تمام توان خود را روی شکستن قفل سیاست خارجی گذاشته است، اما اگر قفل سیاست خارجی شکسته شود دوباره موضوع افزایش درآمدهای نفت مطرح می‌شود و دور باطل گذشته تکرار می‌شود.**

تا اینجاى سؤال شما درست است، در پاسخ به آن باید گفت اولاً اگر فقط مسئله نفت بود، حرف شما درست بود، اما واقعیت این است که مسئله فقط نفت نیست، نفت گام اول است. مشکلات عظیم دیگری هم در کشور وجود دارد.

دوم اینکه آنچه ما می‌توانیم بگوییم این است که نفت و درآمدهای ناشی از آن به این زودی‌ها به وضعیت سابق برنمی‌گردد، وقتی ما می‌گوییم برای نفت باید فکری کرد منظور این نیست که نفت حذف شود. وقتی درآمد سالانه دولت ۳۰ میلیارد است، می‌توان گفت دولت هیچ درآمدی اضافه در مخارج معمول خود نداشته است چون هزینه دولت ۳۰ میلیارد است، شاید فقط یکی، دو میلیارد دست دولت بماند تا آن مانور دهد. اما اگر درآمد دولت ۳۰ درصد نسبت به آن ۲۰ میلیارد افزایش پیدا کند، (۹ میلیارد

دلار) به‌مقداری که درآمد نفتی بیشتر باشد، سهم خاص دولت برای مانور سیاسی خیلی بیشتر شده و در آن حالت دولت می‌تواند خیلی کارها را با آن پولی که دستش مانده انجام دهد.

● **سه تا پنج سال دیگر امکان دارد دوباره به دوران درآمد بالای نفتی برگردیم؟**

به نظر من خیر، به هرحال اگر هم این اتفاق بیفتد مسئله کنونی ما نفت نیست، مسئله ما حل مشکلات گوناگون ساختاری است که بخشی از آن نفت است. می‌خواهم حرف‌رم را با یک مثال تاریخی که از نظر زمانی چندان از آن فاصله نگرفته‌ایم روشن کنم. در دوره دوم دولت اصلاحات در روابط خارجی، ایران بهترین جایگاه و حالت را پس از انقلاب داشت. قیمت نفت هم به نسبت بالا بود، یعنی اگر دولت کنونی موفق شود ما در بهترین حالت هم به همان وضعیت می‌رسیم، وضعیتی که از دل آن احمدی‌نژاد بیرون آمد.

حرف شما کاملاً درست است، ولی فرض کنید درست رانندگی نکرده‌اید و تصادف کرده‌اید، حالا شما می‌خواهید اتومبیل‌تان را تعمیر کنید، کسی این وسط می‌گوید چه فایده، در هر حال دوباره تصادف می‌کنی، اینجا حرف ما این است که نه! از این به بعد باید درست رانندگی کنیم. به‌هرحال جایی برای اراده و فهم ما هم هست. اگرچه اراده‌گر نیست ولی نهایت اینکه کارها و ساختارها را باید همین ما و شما اصلاح کنیم.

● **اما جهت‌گیری اقتصادی دولت به سمتی نیست که آن چیزی را ایجاد کند که شما می‌گویید.**

خب در آن حالت ما با کار دولت مخالفت می‌کنیم، البته به نظر من این دولت به چند دلیل نمی‌تواند به درآمدهای بالای نفتی برسد. چند عامل در کاهش سهم درآمدهای دولت از نفت تأثیر گذاشته است: یارانه‌ها، کاهش تولید نفت ایران، کاهش قیمت جهانی نفت، افزایش رشد اقتصادی و کاهش سهم درآمد نفتی در آن، مسئله نفت شل و... یعنی ما در یک افق کوتاه و میان‌مدت به وضعیت سابق باز نمی‌گردیم.

● **اینجا به بحث اصلاح‌طلبان و دولت می‌رسیم، شما می‌گویید اصلاح‌طلبان باید از دولت حمایت کنند و مسئولیتش را بپذیرند، اما آیا اصلاح‌طلبان می‌توانند مسئولیت کل عملکرد دولت را بپذیرند؟**

در مسئولیت‌پذیری، قانون همه یا هیچ وجود ندارد. شما به میزانی که مشارکت می‌کنید و تأثیر می‌گذارید باید مسئولیت کارتان را بپذیرید، دیگران هم متوجه این قضیه می‌شوند؛ برخلاف کوششی که حالا اصولگرایان در تبری‌جویی از احمدی‌نژاد دارند که پذیرفتنی نیست و راه به جایی نمی‌برد. حتی آنهایی که از اول هم به احمدی‌نژاد نقدهایی داشتند به‌درستی در آوردن او متهم هستند چه برسد به کسانی که تا روزهای آخر هم با او بودند. من مشکلی با انتقاد از این دولت ندارم و حرفم این نیست. اتفاقاً انتقاد به دولت به نفع دولت است. باید با دقت دولت را زیر نظر داشت. اگر دولت سیستم رانتی را بازسازی کند یا سیاست‌های غلط گذشته را اجرا کند، باید انتقاد کرد. هر دولتی که باشد باید انتقاد کرد. هر نهادی باید کارکردهای خودش را داشته باشد. ما روزنامه‌نگاریم و باید کار خودمان را انجام دهیم، کسی هم که در دولت خدمت می‌کند، باید وظایف خود را انجام دهد. یعنی باید گفت اصلاح‌طلبی یک فرایند جمعی است که هر فردی به نسبت موقعیتی که دارد در آن باید نقش خودشان را ایفا کند. به هیچ‌وجه نباید چک سفید به دولت بدهیم که سرانجام به این ابتذال برسیم که مجبور باشیم از هر کار دولت دفاع کنیم. من از خود دولت اصلاحات هم چشم بسته دفاع و حمایت نکردم، حالا‌چطور انتظار دارند از این دولت تمام و کمال دفاع کنم؟ حالا اگر کسی وزیر باشد بالطبع جایگاه دیگری دارد و باید در آن چارچوب رفتار کند. معتقدم با دولت فعلی باید مانند دولت اصلاحات رفتار کرد؛ یعنی باید از دولت حمایت و در جای خود هم انتقاد کرد. حد و حدود این مسئله در مورد افراد در نقش‌های گوناگون فرق دارد.

● **معتقدید کار جبهه‌ای انجام داد. این جبهه تا کجا می‌تواند گسترده شود؟ هیچ شاخصه‌ای ندارد؟**
وقتی می‌گوییم «کار جبهه‌ای» منظور این نیست که از هر طیفی دور هم بنشینند بلکه باید حول یک مسئله عام تقاضا حاصل شود. در کار جبهه‌ای باید حول اینکه مسئله مهم کشور چیست و راه‌حل آن کدام است، به‌طور نسبی وحدت داشت.

● **به نظر شما حالا مسئله اصلی کشور چیست؟**

در سطح نیروهای سیاسی فقدان یک نوع وحدت سیاسی نسبت به کل کشور و آینده و مسائل اساسی آن، یک محور مهم است. در انگلستان دو یا چند حزب مهم وجود دارد. این احزاب با تمام تفاوت‌ها و اصطکاک‌هایی که با هم دارند، انگلیسی هستند و در جایی که منافع ملی انگلستان مطرح است به هم وصل می‌شوند. آنجا همه احزاب در یک زمین کلی بازی می‌کنند، هرچقدر هم تعدد احزاب در زمین زیاد باشد، اهمیت ندارد. ولی این وحدت نظر در ایران نیست.

● **این دو مفهوم بسیار کلی نیستند؟**

چرا هستند و اتفاقاً ما در شرایطی هستیم که درباره مسائل اساسی و کلی اختلاف‌نظر داریم. ولی وقتی از اینجا شروع می‌کنید کم‌کم به مسائل دیگر می‌رسید، اگر ادبیات نیروهای سیاسی را تجزیه و تحلیل کنیم، می‌بینید که با تفاوت‌های اندک – نهایتاً به وجود چنین شکاف مهمی

سیاست

عباس عبدی در گفت و گو با «شرق»:

۸۸ باید دور نتیجه را خط می‌کشیدیم

می‌رسیم، به همین دلیل ممکن است بخشی از نیروهای اصولگرا هم به درک اینجینینی برسند و از این چارچوب دفاع کنند. درست است که مسائلی که گفتم کلی است، اما اگر مسئله کلی نداشته باشیم معنایش این است که باید حزبی رفتار کنیم. عبورکردن از شکاف سیاسی ایجادشده در شش سال اخیر تعبیر مصداقی آن مسئله محوری است که گفته شد.

● **در جامعه‌ای که حتی در ادبیات شخصی‌اش هم صراحت وجود ندارد و بیشتر کلی‌گویی می‌شود، چطور می‌توان حول آنچه شما گفتید به وحدت واقعی دست یافت و یک نقش سیاسی انجام داد؟**

حرف شما درست است، اما آنچه گفتم شاخصه و معیار نگاه جبهه‌ای است. برای رد آن هم نمی‌توان فقط به ذکر ایرادهایش پرداخت؛ باید شیوه بدیل آن را یافت و ثابت کرد که شیوه بدیل می‌تواند بهتر باشد. مثال ساده‌اش هم شعار جبهه مشارکت در مجلس ششم است که «ایران برای همه ایرانیان» بود. این یک شعار جبهه‌ای است.

● **ظاهر این شعار جبهه‌ای بود درحالی‌که در باطن بسیار هم حزبی بود. همان‌طور که در آن سمت حساسیت زیادی را برانگیخت.**

در هر حال خیلی‌ها می‌توانند درباره این شعار وحدت‌نظر داشته باشند؛ همچنان که این کار را کردند. این شعار ناقض موجودیت کسی نبود. موضوع‌گیری‌های کیهان در مورد این شعار را به‌خاطر ندارید؟

به‌خاطر اینکه کیهان نهایت طیف آن طرف قضیه قرار گرفته بود. معنای جبهه این نیست کسی آن طرف قرار بگیرد. می‌توان گفت کسی در داخل جبهه با این شعار مخالف نبود. خیلی‌ها می‌توانستند ذیل این شعار جمع شوند. شما حتی اگر امروز شعار رفع تنش یا دنیا را مطرح کنید، کیهان مخالفت خواهد کرد، این ممکن است یک شعار جبهه‌ای خوب باشد. البته رسیدن به یک شعار جبهه‌ای مناسب خارج از فهم شخصی یک نفر است. این شعارها باید حاصل گفت‌وگوی نیروهای سیاسی باشد. اساساً سیاست، پیچیدن نسخه توسط یک شخص نیست، نباید خیلی دنبال این باشیم که کسی راهبردها را بگوید و بقیه اجرا کنند.

● **معتقدید شعار جبهه‌ای باید حاصل گفت‌وگوی نیروهای سیاسی باشد؟**

بله، همین‌طور است، ایده کلی از همین گفت‌وگوها درمی‌آید. ایده کلی اکنون این است که ما نباید حزبی عمل کنیم. البته در مراحل پیشرفته جبهه‌ها تبدیل به احزاب می‌شوند؛ برای نمونه حزب «مشارکت» اگر کمی اوضاع پیش می‌رفت و ضرورتی به حرکت جبهه‌ای نبود، شاید دچار انشعاب می‌شد. اما با رخ‌دادن اتفاق‌های بعد از ۸۸ مشارکت همچنان جبهه‌ای ماند.

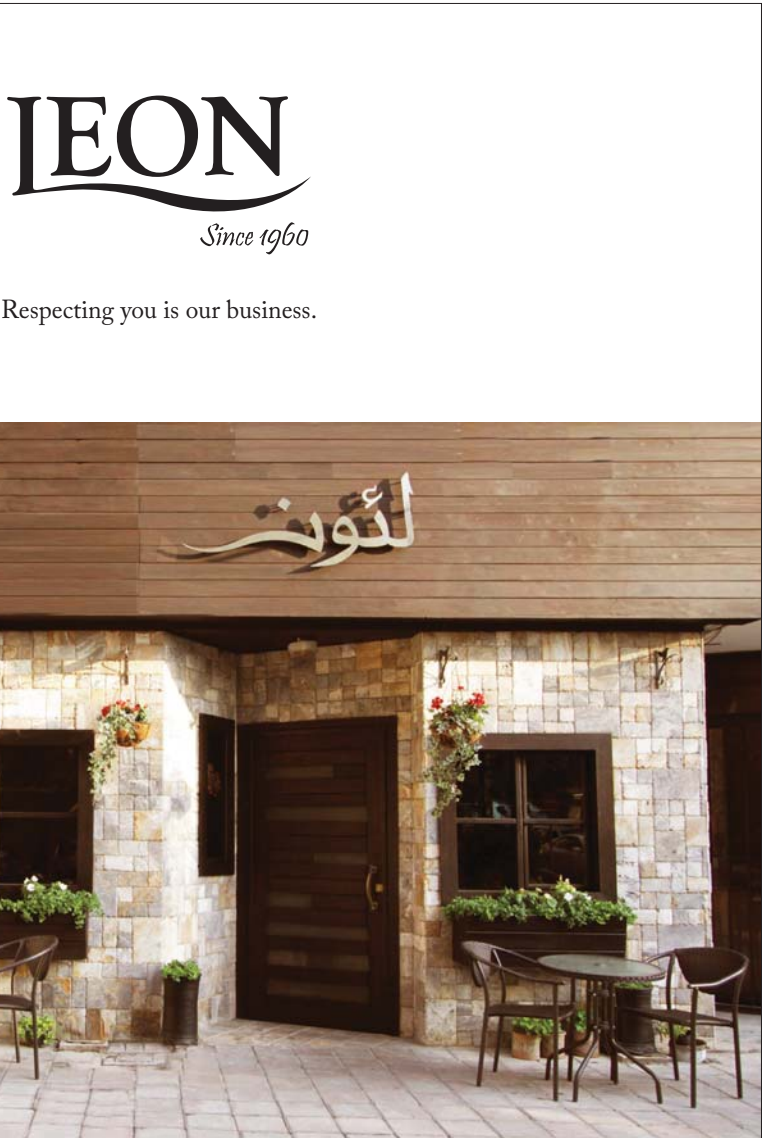
● **قطعاً بین گرایش چپ و راست انشعاب رخ می‌داد. ایرادی هم ندارد، گامی برداشته شده و حالا گام‌های دیگری باید برداشته شوند. اما اتفاقات بعدی دوباره جناح‌ها و شکاف‌های مشارکت را به هم نزدیک کرد و اعضا به این نتیجه رسیدند که در برابر مسائل مرم جامعه، وجه تمایز اساسی ندارند. این یک منطق کلی است و اینکه جزئیاتش چیست، از دل گفت‌وگوهای شخصی حاصل می‌شود.**

● **با این منطق کسانا بحث جبهه‌ای در انتخابات مجلس مطرح است. چگونه می‌توان این مسئله را مصداقی کنیم، درحالی‌که موانع زیادی وجود دارد.**

اصل کلی این است که ما نباید حزبی عمل کنیم. کسی هم نیست که نسخه یک راهبرد را ببجد و بقیه اجرا کنند. ● **تا آنجا که من می‌دانم مرزبندی‌های پررنگ حزبی، مخصوص پایتخت است و نیروی‌های اصلاح‌طلب در شهرستان‌ها کمتر درگیر چنین مسائلی هستند.**

یکی از دلایلش این است که در شهرستان‌ها به قضیه نگاه عملی دارند و این حسن آنها است. البته من درباره مراحل بعدی فکری نکرده‌ام به‌دلیل اینکه ما هنوز در مرحله اول هستیم و وقتی در این‌باره توافق حاصل شد، در مورد مراحل بعدی هم صحبت می‌کنیم اما بخش عمده‌ای از موانع ناشی از تناقضی است که در استراتژی وجود دارد. دلیل اصلی این است که درحال‌حاضر جریان پویا و زنده سیاسی در روند اصلاح‌طلبی نداریم، وجود یک جریان اجتماعی به‌گونه‌ای است که همه را جذب و درون خود مستحیل می‌کند. در روزهای آخر انتخابات ۹۲ همه خود را با یک جریان تطبیق دادند و نزدیک کردند، درحالی‌که اگر نیروها به اختیار خود بودند و تحت‌تأثیر این جریان نبودند هرکس به راهی می‌رفت، وقتی یک جریان شکل می‌گیرد آدم‌ها سلیقه و غریزه و منافع خودشان را با آن تطبیق می‌دهند. این مسئله‌ای است که با بحث‌های تئوری قابل‌حل نیست. جریان اگر ایجاد شود همه خود را با آن تطبیق خواهند داد.

ادامه در صفحه ۱۹



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران؛ خیابان دکتر باهنر (نیاوران)
قبل از دوراهی درازشایب

تلفن : ۰۲۷۷۲۴۴۰-۰۲۷۷۲۴۴۰

www.leon1960.com

یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۴

منهای پایتخت

۷۵۶ هکتار از اراضی ملی استان گلستان خلع ید شد

● **تسنیم؛ گرگان:** سیدمصطفی حقی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان، گفت: تاکنون ۷۵۶ هکتار از اراضی ملی استان گلستان خلع ید شده است. او افزود: تخریب اراضی کشاورزی و هجوم زمین‌خواران در سال‌های اخیر، سبب ازبین‌رفتن بخشی از بنیان‌های اقتصادی استان گلستان شده و تاکنون بیش از صد مورد از احکام قلع‌وقمع در گرگان و خلع ید از ۷۵۶ هکتار از اراضی ملی استان گلستان اجرا شده است. او ادامه داد: برخورد قاطعانه با متخلفان و قانون‌شکنان در هر جایگاه و مقامی که باشند و صدور قرارهای سنگین کیفری و جریمه‌های حداکثری را از عوامل مؤثر در جلوگیری از دست‌اندازی به عرصه‌های ملی، منابع طبیعی و کشاورزی اعلام کرد.

حمله به اماکن مذهبی توجیه عقلی و شرعی ندارد

● **ایرنا؛ بندرعباس:** شیخ حسین بازماندگان، امام جمعه اهل سنت بندرین، گفت: حمله به اماکن مذهبی اقدامی جاهلانه است که موجب به خاک‌وخون کشیده‌شدن مسلمانان می‌شود و هیچ توجیه عقلی و شرعی ندارد. او افزود: مسلمانان باید نسبت به این حمله‌های تروریستی واکنش نشان دهند. اوگفت: ترویج افکار جاهلانه و افراطی گروه‌های تروریستی بلای جان اسلام و مسلمانان شده است. امام جمعه اهل سنت بندر پل اضافه کرد: حادثه تروریستی در عربستان با هدف ایجاد اختلاف‌های مذهبی و فرقه‌ای بین مسلمانان صورت گرفته است.

استقبال از مشارکت معتمدان محلی در حل پرونده‌های قضائی

● **فارس؛ الیگودرز:** امیرهوشنگ قحطی، رئیس دادگستری الیگودرز گفت: مشارکت افراد منتقد محلی در حل‌وفصل پرونده‌های قضائی نمونه بارز مردم‌سالاری دینی است. او با بیان اینکه شورا‌های حل اختلاف الیگودرز ازجمله شورا‌های حل اختلاف موفق استان لرستان است، افزود: در این مدت پرونده‌های متعددی اسم از کیفری و حقوقی در این شعب مصالحه شده است که یقیناً مشارکت افراد منتقد محلی در حل‌وفصل پرونده‌های قضائی نمونه بارز مردم‌سالاری دینی است.